

باسمه تعالی

تلخیصی از فصل سوم کتاب دگرگونی ساخت دولت در ایران پیش مدرن تألیف دکتر احمد درستی

با موضوع «ساخت دولت در عصر صفویه»

گردآوری: میلاد موحیدیان، درس مطالعه اسناد و متون تاریخی، ۹۷/۰۸/۱۲

مقدمه

به روی کار آمدن سلسله صفویه، فصل نوینی در تاریخ ایران آغاز شد. حکومت های محلی از میان رفتند. وحدت سیاسی پس از چندین سده واپستگی و آشفتگی احیا شد. دیوان سالاری ایرانی جان تازه ای گرفت. ارتش منظم و منسجم تشکیل شد. امور تجاری رونق پیدا کرد و مذهب تشیع رسمیت یافت. دولت صفوی با ویژگی های فوق بیش از دو قرن تداوم یافت و حتی با سقوط آن میراث این دولت مورد استفاده دولت های بعدی قرار گرفت و در فاصله سقوط صفویان تا ورود ایران به عصر جدید، دولت های افشاریه، زندیه و قاجاریه بر بستری از میراث به جای مانده از صفویان، برسر کار آمدند. هریک از این دولت ها چیزی بر میراث صفویان افزودند و یا عناصری را از آن کاستند. ۴ دولت مذکور تجربه تاریخی نزدیک ما را از دولت تشکیل می دهند و شاید بتوان بررسی آنها را نوعی تبارشناسی دولت جدید در ایران محسوب نمود.

۱. روند تأسیس فرقه صوفیانه صفوی و چگونگی تبدیل آن به جنبش سیاسی - انقلابی

صفویان نام خود را از جد بزرگ این خاندان، یعنی شیخ صفی الدین اردبیلی گرفتند. شیخ صفی الدین در سال ۶۵۰ هجری قمری در شهر اردبیل به دنیا آمد. شیخ برای کسب علم و دانش به شهرهای مختلف ایران سفر کرد و از محضر اساتید مختلف بهره گرفت ولی تعالیم هیچ استادی او را از لحاظ معنوی سیراب نکرد تا اینکه به نزد شیخ زاهد گیلانی رسید و ایشان را مرشدی کامل یافت. شیخ پس از طی مراحل سخت ریاضت نزد استاد گیلانی، به اردبیل بازگشت و به تربیت مریدان همت گماشت. در کوتاه زمانی، آوازه زهد و خداترسی شیخ، مناطق بسیاری را درنوردید و هر ساله زائران زیادی از اقصای ایران و آسیای صغیر به دیدار او می آمدند.

نفوذ شیخ صفی الدین به حدی بود که دولتمردان و رجال سیاسی نیز به او ارادت می ورزیدند و مخارج سفره خانقاه شیخ صفی، توسط حکومت ایلخانی، ارسال می شد. حتی پادشاهان این دوره نیز نسبت به شیخ توجه داشتند و الجایتو، خان مغول، از شیخ برای حضور در مجالس جشن دربار دعوت می نمود.

پس از درگذشت شیخ صفی الدین اردبیلی به سال ۷۳۵ هجری قمری، فرزندانش ریاست بر این فرقه را حفظ کرده و از احترام خاصی نزد خاص و عام برخوردار بودند به نحوی که خلال ریاست خواجه علی سیاه پوش (نوه شیخ صفی)، تیمور لنگ در بازگشت از فتح آسیای صغیر، با وی دیدار کرد و به شفاعت او، تیمور جمع انبوهی از اسیرانی که از نبرد با عثمانی با خود آورده بود، آزاد کرد. تیمور همچنین دستور داد تا اردبیل و کلیه قصبات و دهات و اراضی متعلق به آن، به عنوان وقف در اختیار خاندان صفوی قرار گیرد و خانقاه او برای خطرناک ترین جنایتکاران نیز بست باشد. نسل های بعدی صفویان از این پشتوانه مالی و حمایت های انسانی، در ارتقای وضعیت اجتماعی این خاندان از قدرت اجتماعی - معنوی به دولتی متمرکز بهره گرفتند.

در مجموع در دوره چهار رهبری نخستین این طریقت (شیخ صفی، خواجه صدرالدین موسی، خواجه علی و شیخ ابراهیم)، رهبران طریقت از دخالت در امور سیاسی پرهیز می کردند اما با روی کار آمدن شیخ جنید در سال ۸۵۱ هجری قمری، نگرش ها و گرایش های این طریقت تغییر کرد. وی با جلب پیروان و مریدان تازه نفس و جدید، نقشه هایی را برای به دست گرفتن قدرت سیاسی مطرح نمود. کثرت مریدان و تجمع آنها در خانقاه اردبیل، جهانشاه قراقویونلو، حاکم وقت آذربایجان را به هراس انداخت و وی در نامه ای تهدید آمیز، شیخ جنید را به ترک اردبیل مجبور ساخت. شیخ جنید در نواحی مختلفی از جمله آناتولی و سوریه و ... به تبلیغ آیین صوفیانه خود می پرداخت و به محض احساس خطر، منطقه اقامت خود را تغییر می داد. وی سرانجام پس از یازده سال به اردبیل بازگشت ولی در جنگی که میان وی و شیروانشاه رخ داد، کشته و پسرش حیدر در سال ۸۶۴ هجری قمری، جانشین پدر شد. سلطان حیدر به مسلح کردن پیروانش پرداخت و توانست در یک لشکرکشی، نیروهای شیروانشاه را شکست دهد ولی با رسیدن نیروهای کمکی آق قویونلوها، نتیجه جنگ معکوس شد و سلطان حیدر کشته و فرزندان او اسیر شدند. زندانیان نزدیک به چهار سال و نیم در قلعه استخر فارس زندانی بودند و در نهایت با وساطت رستم میرزا حاکم آذربایجان، آزاد شده و به اردبیل برگشتند. استقبال مریدان و تردد آنها به اردبیل به حدی بود که رستم میرزا را نیز آشفته خاطر کرد و لذا آنها را به نزد خود فراخواند. اسماعیل میرزا به عنوان جانشین پدر، برای حفظ جان خود از اردبیل به رشت گریخت و به مدت ۵ سال در لاهیجان اقامت گزید.

اسماعیل در سال ۹۰۵ هجری قمری از مخفی گاه خود بیرون آمد تا کاری را که اسلافش برای کسب قدرت آغاز کرده بودند، به اتمام رساند. از نظر سیاسی هم زمان حرکت به خوبی تعیین شده بود. قدرت آق قویونلوها به سستی می رفت و عثمانیان در غرب و ازبک ها در شرق نیز، قدرت زیادی نداشتند. وی در ابتدای به جنگ شیروانشاه رفت و انتقام خون پدر و جدش را گرفت و سپس به سوی پایتخت حکومت آقا قویونلوها، تبریز رفت و با رشادت رزمندگان صفوی، تبریز را فتح و در تابستان ۹۰۷ هجری قمری و ۱۵۰۱ میلادی، تاجگذاری کرد و سلسله صفویه را تأسیس نمود.

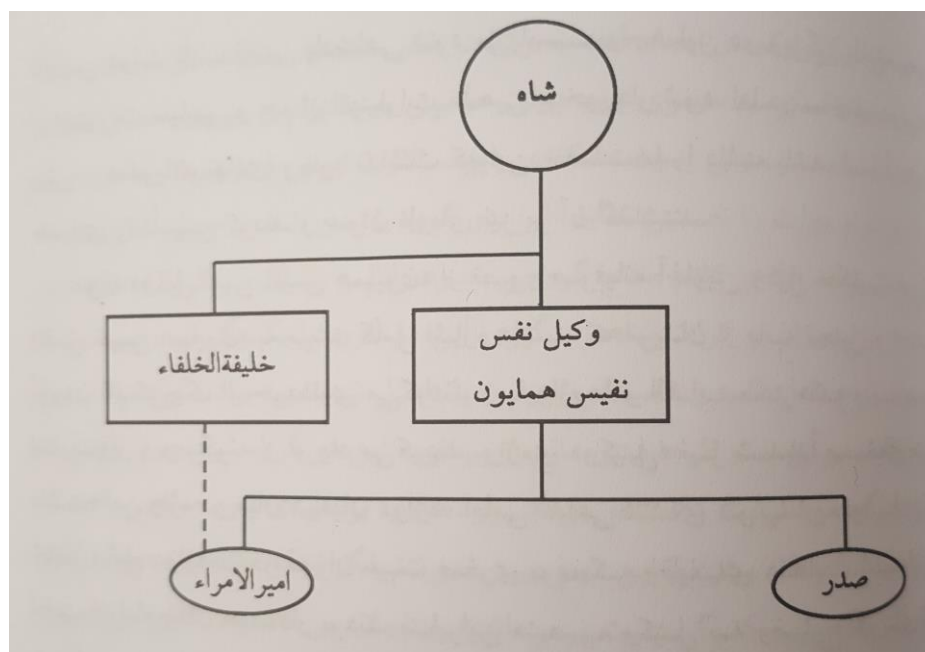
بنابراین قدرت خاندان صفوی در رهبری معنوی جد آنها بر طریقت صوفیانه صفوی ریشه داشت. اعضاء این خاندان طی چند نسل با ریا ست بر این فرقه، نفوذ و اعتبار اجتماعی سیاسی خود را افزودند و پیروان مختلفی در ایران، شام و آسیای صغیر تربیت کردند. صفویان برای گذار از تشکل های صوفیانه به تشکل های حکومتی، راه درازی را طی کردند. در مدت بیش از سه قرن، بزرگان خاندان صفوی تلاش کردند از طریق همکاری و یا تقابل با قدرت های سیاسی، بر شوکت و قدرت خود بیفزایند. کوشش آنها در سده دهم هجری قمری نتیجه داد و اسماعیل پانزده ساله ی این خاندان اردبیلی، بر مسند پادشاهی تکیه زد و کلاه صوفیانه از سر گرفت تا تاج پادشاهی بر سر گذارد.

۲. روند بروز تعارضات درونی و دگرگونی های پیش آمده در ساختار دولت صفوی

۲.۱. دولت شاه اسماعیل صفوی

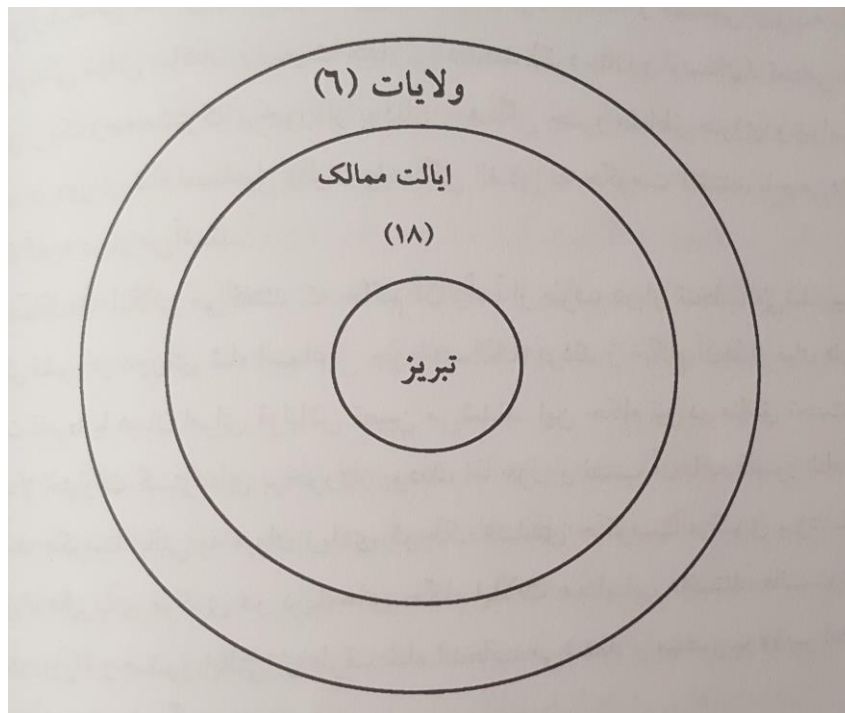
دو منصب وزارت و صدارت، در دولت های پیش از صفویه وجود داشتند. منصب وزارت در ایران سابقه طولانی داشت و پیشینه آن به دولت های قبل از اسلام بر می گشت. صدارت در ایران از دوره تیموریان در ساختار دولت به چشم می خورد و وظیفه نظارت بر طبقات روحانی و اوقاف مذهبی را به عهده داشت. این نهاد در عصر صفوی، علاوه بر وظایف خود، مسئولیت ریشه کنی عقاید مخالف و برقراری همسانی عقیدتی در سراسر کشور را بر عهده داشت.

دو نهاد جدید نیز در دولت صفویه ایجاد شد که هیچ سابقه ای در دولت های پیشین نداشتند؛ یکی منصب وکالت و دیگری خلیفه الخلفایی. صاحب منصب وکالت هم مسئولیت های سیاسی فرمانروا را بر عهده داشت و هم مسئولیت های دینی وی را و بدین جهت جایگاه خیلی مهمی محسوب می شد. نهاد خلیفه الخلفایی نیز وظیفه نظارت بر نمایندگان رهبر طریقت در مناطق دوردست را بر عهده داشت.



شکل شماره ۱: ساخت نهادی دولت در زمان شاه اسماعیل صفوی

نظام حکومتی صفویان، به نظام های فدرالی در عصر جدید شباهت داشت با این تفاوت که برخی از نواحی، نسبت به بقیه از خودمختاری و استقلال بیشتری برخوردار بودند. مناطقی که از خودمختاری بیشتری بهره داشتند، «والی نشین» می گفتند و مناطق با خودمختاری کمتر را «ممالک» می نامیدند. والی نشین ها و حاکم نشین ها، از لحاظ چگونگی انتصاب، پرداخت مالیات و اختیارات حکومتی با یکدیگر تفاوت داشتند. والیان از اتباع خاندان سلطنتی مخصوص همان ایالت بودند که قبل از روی کار آمدن صفویه در آن منطقه فرمان می راندند. تعداد والیان مهم از پنج تا شش مورد تجاوز نمی کرد. ممالک به ایالاتی می گفتند که حاکم آن رأساً از طرف دربار انتخاب می شد و بیشتر مناطق در این زمان، جزو ممالک بودند. تعداد ایالات در دوره شاه اسماعیل به هجده مورد می رسید.



شکل شماره ۲: ساخت قلمرو دولت در زمان شاه اسماعیل صفوی

دولت بنیادشده توسط قزلباش ها، دولتی دین سالار بود. در ساخت دین سالار، رئیس دولت علاوه بر رهبری سیاسی، مسئولیت مذهبی مردم را نیز برعهده دارد. شاه اسماعیل هم مرشد کامل بود و هم پادشاه ممالک محروشه مملکت؛ او هم از اقتدار سیاسی برخوردار بود و هم از مشروعیت دینی. جمع آمدن این دو ویژگی در یک نهاد باعث شد که دولت شکل مطلقه و تمامیت گرایانه پیدا کند، با این حال ایجاد دو نهاد وکالت و خلیفه الخلفایی که به عنوان واسطه ای میان شاه و مردم یا شاه و نخبگان عمل می کردند، از گرایشات تمامیت خواهانه دولت می کاست و گرایشات مشارکتی آن را بیشتر می کرد.

جدول شماره ۱: نوع پیوند و ویژگی های ساخت دین سالارانه در زمان شاه اسماعیل صفوی

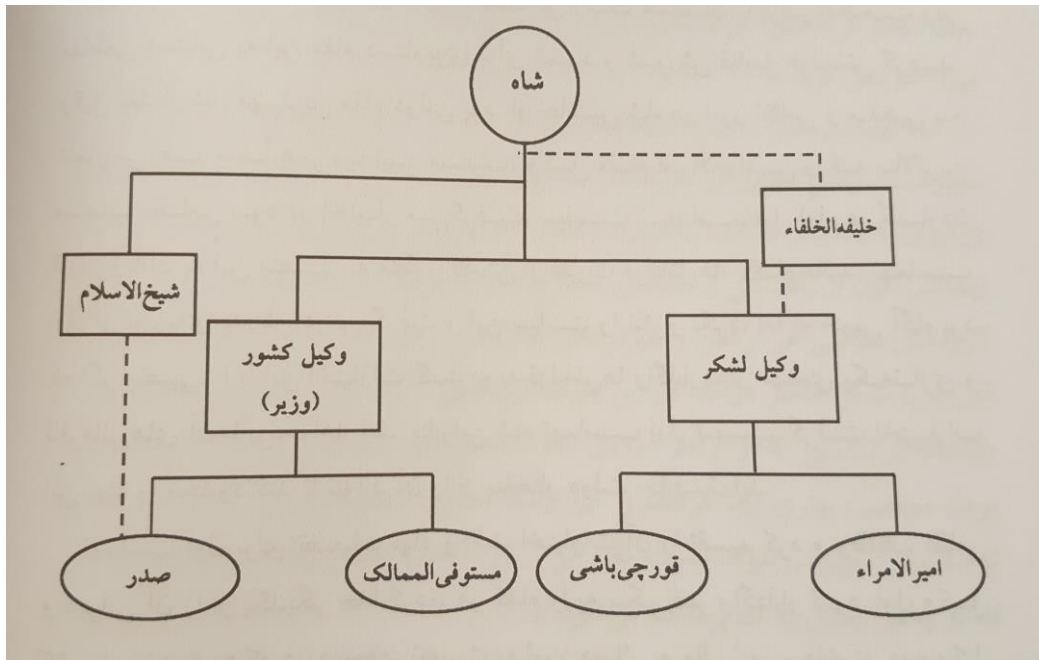
| توضیحات | ابعاد ساخت | ساخت دولت | نوع پیوند |
|---|------------|--------------------------------------|---------------------------------|
| | | دین سالارانه | صوفیانه |
| متکثر - همگن - منسجم نیروهای حاضر در بلوک قدرت: قبایل قزلباش و تعداد محدودی از صوفیان غیرقزلباش | قدرت | وحدت رهبری دینی و سیاسی | همبستگی اعضا: اخوت صوفیانه |
| سلطه نهاد های مذهبی وجود نهاد های واسطه بین شاه و نخبگان / مردم (وکالت و خلیفه الخلفایی) | نهادی | کارکرد سیاسی نهاد های مذهبی نظیر صدر | تبعیت پذیری: هنجاری - اخلاقی |
| از تقسیمات دوگانه به ایالات ممالک و والی نشین استقلال ایالات ممالک | قلمرو | | نحوه ی عضویت: تا حدی بسته |

۲.۲. دولت شاه تهماسب صفوی

تعارضات درونی مهم ترین علتی هستند که موجب تغییر ساخت دولت پس از شاه اسماعیل صفوی شدند. تعارض میان ترک ها و فارس ها یک تعارض کارکردی در ساخت دولت بود که یک طرف آن را نهادهای نظامی به نمایندگی قزلباش ها و طرف دیگر آن تعارض را دیوان سالارها به نمایندگی فارس ها، تشکیل می دادند. تعارض دوم نیز تعارض میان قزلباش و قزلباش بود که ریشه آن را کم رنگ شدن آموزه های وحدت بخش صوفیانه و رقابت بر سر کسب قدرت در بین قبایل، تشکیل می داد.

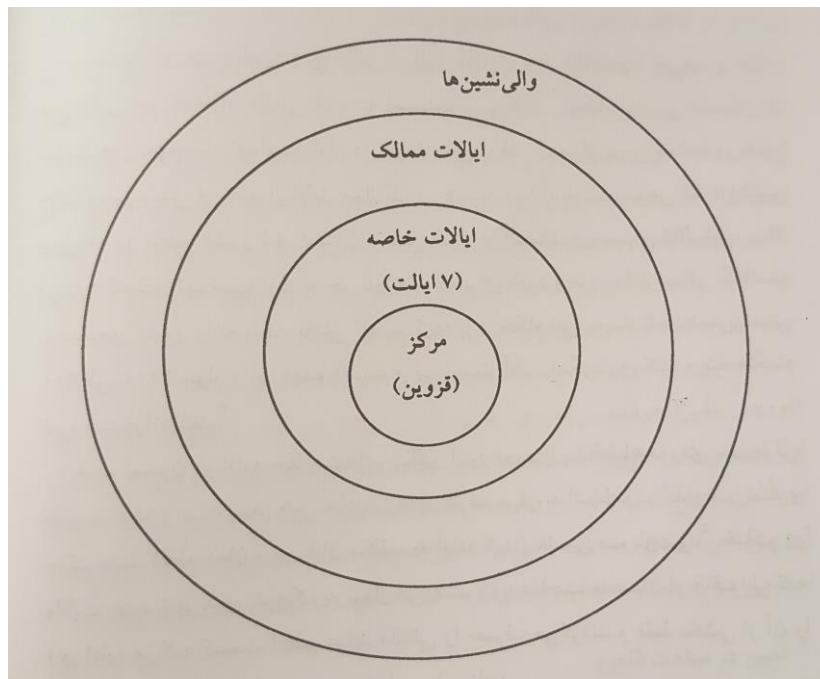
شاه تهما سب که از برتری جویی و رقابت روزافزون قزلباش ها برای کسب قدرت هراس داشت، برای حل این معضل سعی کرد انحصار قزلباش ها در دو حیطة نظامی و ایدئولوژیک را بشکند. برای این منظور در حیطة نظامی، با ایجاد یک تشکل نظامی جدید تحت عنوان «قورچی شاهی» تلاش کرد از اتکاء خود نسبت به قزلباش ها بکاهد. شاه تهما ست در حیطة ایدئولوژیک هم با دعوت از علمای شیعه بنیان جدیدی برای مشروعیت دولت خود به دست آورد در حالی که پیش از این، آموزه های صوفیانه بنیادهای اصلی دولت صفوی را تشکیل می داد. بنابراین تغییر، نهاد شیخ الاسلامی نیز به لایه های مذهبی ساختار نهادی دولت صفویه اضافه گردید. اولین متصدی این منصب، محقق کرکی بود که شاه تهما سب به وی لقب خاتم المجتهدین داد. وظایف شیخ الاسلام ترویج دین داری و اعمال نیک، امر به معروف و نهی از منکر، نظارت بر خمس و زکات، تقسیم ارث، تنظیم معاهدات و انعقاد صیغه عقد بود.

از دیگر اقدامات شاه تهما سب برای برهم زدن معادله قدرت به نفع خود، اعطای مناصب مهم حکومت ایالات به اعضای خاندان شاهی بود تا از نفوذ قزلباش ها بکاهد. همچنین شاه تهما سب برای کاستن نفوذ قزلباش ها، منصب وکالت را تضعیف و وظایف نظامی و دیوانی آن را از یکدیگر جدا نموده و هرکدام را به یک نفر واگذار کرد. اول وکیل کشوری یا وزیر که به امور دیوانی و مالی می پرداخت و دوم وکیل لشکری یا امیرالأمراء که مسئول سپاه و وزیر جنگ بود. این تقسیم کار پس از شکست سیاست شاه اسماعیل جهت نصب ایرانی ها بر منصب وکالت صورت می پذیرفت.



شکل شماره ۳: ساخت نهادی دولت در زمان شاه تهما سب صفوی

شاه تهما سب برای کاستن از وابستگی مود به نیروهای قبیله ای، سپاه قورچیان را تأسیس کرد و برای تأمین مخارج این گروه، نیازمند منبع درآمدی خاصی بود، لذا تعدادی از «ایالات ممالک» را به «ایالات خاصه» تبدیل نمود. ایالات ممالک جزو اراضی دولتی محسوب می شدند اما ایالات خاصه یا خاصه شریفه، در ردیف زمین های سلطنتی به شمار می آمدند.



شکل شماره ۴: ساخت قلمرو دولت در زمان شاه تهماسب صفوی

در مجموع در دوره حکومت پنجاه و چهارساله شاه تهماسب، دولت از حالت دین سالاری خارج شد و شاه به رغم آنکه در ظاهر رهبری دینی را در کنار رهبری سیاسی عهده دار بود اما در عمل شیخ الاسلام، مرجع رسمی و نهایی در امور دینی به شمار می آمد و شاه نیز خودش را ملزم به رعایت فرامین شیخ الاسلام می دید. بنابراین میتوان دولت وی را یک دولت دینی به حساب آورد. در این دوره ساخت قدرت، همگونی و یکدستی خود را از دست داد و نیروهای غیر قزلباش نیز وارد قدرت شدند.

جدول شماره ۲: نوع پیوند و ویژگی های ساخت دولت دینی در زمان شاه تهماسب صفوی

| توضیحات | ابعاد ساخت | ساخت دولت | |
|--|------------|---|--|
| | | دینی | نوع پیوند |
| متکثر - غیر منسجم - ناهمگن نیروهای حاضر در بلوک قدرت قبایل قزلباش به صورت جدا از هم. چرخسها و ... | ساخت قدرت | تبعیت شاه در امور مذهبی از مرجع دینی | صوفیانه - شاهی همبستگی اعضا: اتباع یک پادشاه |
| تضعیف وکالت و خلیفه الخلفایی - قدرت یافتن قورچی باشی در برابر امیرالامراء و ... | ساخت نهادی | و حکومت به نیابت از مجتهد زمان | تبعیت پذیری: شاه - رعیت و مریدی - مرادی |
| ایجاد ایالات خاصه - تقسیم بندی ایالات ممالک به پنجاه ایالت. | ساخت قلمرو | | نحوه عضویت: باز |

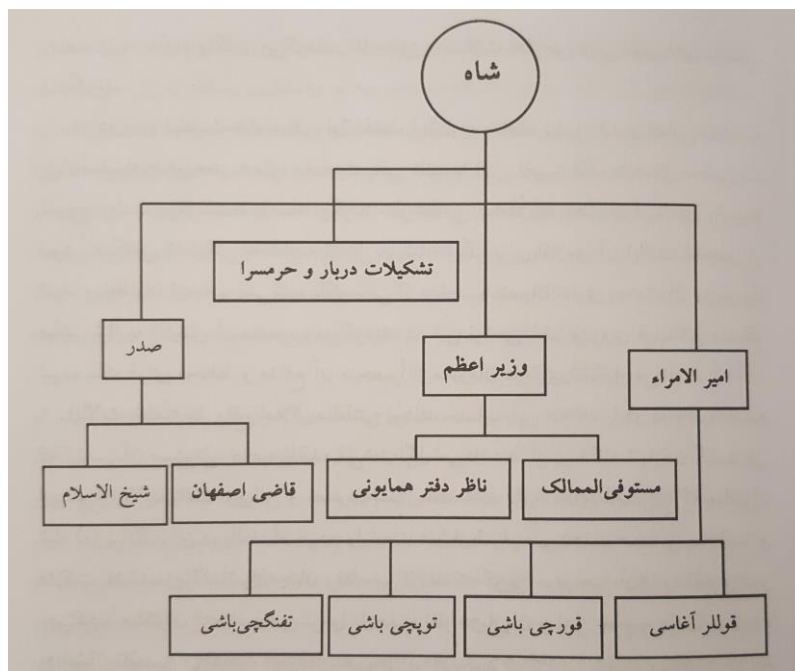
۲,۳. دولت شاه عباس صفوی

شاه عباس ضمن پیگیری سیاست های شاه تهماسب در سرکوب قبایل قزلباش، سعی کرد همه گروه های سیاسی را تحت فرمان خود در آورد و هر جا که امکان به وجود آمدن کانون قدرت مستقلی احساس می شد به شدت سرکوب می کرد. او سعی نمود افراد گمنام دارای لیاقت و شایستگی لازم را به کار بگیرد و در راستای همین سیاست غلامان گرجی به موقعیت های مناسبی دست یافتند. بدین وسیله شاه عباس نه تنها بلوک قدرت را از حالت دودستگی و انحصارطلبانه خارج کرد بلکه وضعیتی به وجود آورد که اکثریت گروه های قومی در قدرت حضور پیدا کنند اما تکرر آنها از حالت متعادل برخوردار بود که مانع از انحصارطلبی یکی از گروه ها می شد.

مهم ترین تغییرات مربوط به حیطه نظامی در دوره شاه عباس عبارت است از ایجاد سه تشکل جدید نظامی با نام های سپاه غلامان، تفنگچیان و توپچیان. اکثریت سپاه غلامان را اسیران جنگی منطقه قفقاز و علی الخصوص گرجی ها تشکیل می دادند. تفنگچیان که از میان کشاورزان نیرومند انتخاب شده بودند به شمشیر و تفنگ های کوتاه مجهز بودند و پیاده نظام سپاه شاه عباس را تشکیل می دادند. توپچی ها نیز مسئول بخش توپخانه سپاه شاه عباس بودند. سمت امیرالامراء تنها در مواقع جنگ از سوی شاه تعیین می شد و منصبی دائمی نبود. در بین ۴ رکن نظامی شاه عباس نیز، غلامان به رهبری قوللر آغاسی، رکن اصلی نظامی وی را تشکیل می دادند و از اهمیت قورچی باشی کاسته شده بود.

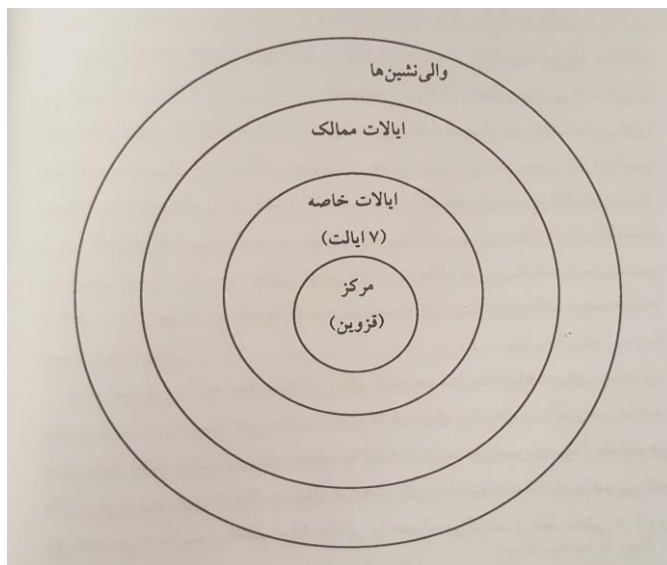
شاه عباس در کنار تحول در نهادهای لشکری، سازمان اداری کشور را نیز گسترش داد و تنها برای اداره امور مالی کشور، ۲۱ اداره تأسیس نمود. مقامات عالی رتبه مستقیماً زیر دست مستوفی الممالک بودند. این گستردگی ناشی از بسط و توسعه فعالیت های حکومت مرکزی در حیطه های مختلف مالیات گیری، تجارت و... بود.

لازم به ذکر است که در این دوره نهاد شیخ الاسلامی نیز با فوت شیخ بهایی، از اعتبار قبلی می افتد و صدر از حیث اعتبار و جایگاه و منزلت، در موقعیت بالاتری از صدرالاسلام قرار می گیرد. رشد حرمسرا و قدرت یافتن خواجهگان از دیگر تغییرات نهادی در عصر شاه عباس محسوب می شود.



شکل شماره ۵: ساخت نهادی دولت در زمان شاه عباس صفوی

شاه عباس در ادامه سیاست تمرکززدایی و افزایش اقتدار حکومت مرکزی، از تعداد ایالات ممالک کاست و بر شمار ایالات خاصه افزود. در دوره سلطنت شاه عباس، هفده ایالت به خاصه تبدیل شد. از آنجا که ایالات خاصه در واقع املاک سلطنتی بودند، حساب این املاک نیز در دیوان خاصه که رئیس آن مستوفی خاصه بود، نگاه داشته میشد.



شکل شماره ۶: ساخت قلمرو دولت در زمان شاه عباس صفوی

در مجموع شاه عباس با اتخاذ سیاست تمرکزگرایی در ساخت قلمرو و حذف نهادهای واسط مثل وکالت و خلیفه الخلفایی و کاهش قدرت نهادهای مذهبی و تضعیف قزلباش ها، امور کشور را به کلی در دست گرفت و با تضعیف موقعیت صوفیان قزلباش در بلوک قدرت و جذب نیروهای جدید تلاش کرد پیوندهای جدید شاهسونی را در بین نخبگان دولت برقرار سازد.

جدول شماره ۳: نوع پیوند و ویژگی های ساخت دیوانسالاری سلطنتی در زمان شاه عباس صفوی

| توضیحات | ابعاد ساخت | ساخت دولت | |
|--|---------------|--|--|
| | | دیوانسالاری سلطنتی | شاهسونی |
| ویژگی ها: متکثر، ناهمگن نیروهای حاضر: قبایل قزلباش، گرجی ها، چرکس ها | بلوک قدرت | - گسترش دیوانسالاری | همبستگی اعضا: وفاداری به شاه و رعیت یک شاه بودن |
| - گسترش دیوانسالاری - گسترش دیوانسالاری ارتش - تأسیس کارگاه های سلطنتی و بیوتات - حذف کامل نهاد وکالت و خلیفة الخلفاء | ساخت نهادی | - نهادهای مذهبی تحت نظارت و کنترل کامل شاه قرار گرفت و تفوق خود را بر نهادهای غیرمذهبی از دست داد. | تبعیت پذیری: شاه - رعیت |
| - افزایش ایالات خاصه به ضرر - کاهش استقلال والی نشین ها و افزایش وابستگی آن ها به مرکز | ساخت قلمرو | | عضویت: باز (همه ی اعضا مملکت) |